

آن‌ها داشت و همه این‌ها نیاز به دستگاه چاپ و چاپخانه داشت. بی‌جهت نیست که تقریباً همه روشنفکران ایرانی و غیر ایرانی، دستی در آموزش، روزنامه‌نگاری، رمان‌نویسی، نمایشنامه‌نویسی و چاپ داشتند. برای تأسیس چاپخانه شخصی، معمولاً بسته به فهم و درک اهمیت چاپ توسط متمولین، شخصی به اروپا فرستاده می‌شد که همان کارهای سابق را انجام دهد و پس از رسیدن کالاها، از آنجا که هنوز نیازی به مجوز ورود و نصب دستگاه در جایگاهی اختصاصی به نام چاپخانه و در محلی خارج از محلات مسکونی نبود، دستگاه در بخشی از بیرونی محل اقامت تعبیه می‌شد و شروع به کار می‌کرد و سپس کارگاهی در بازار و نزدیک دکان‌های کاغذفروشی و صحافی و سپس کتابفروشی، تدارک دیده می‌شد. گزارش‌هایی در این زمینه از ایران و ماوراءالنهر و هند و عثمانی در دست داریم. پس بیشتر چاپخانه‌های اولیه چاپخانه‌های شخصی بودند. سپس نیازهای دیگری پیش آمد که در خانه‌ها انجام می‌شد — هرچند نام چاپخانه خانگی نداشت — مانند تکثیر شبنامه‌ها در دوره‌های انقلاب، چاپ‌های ژلاتینی و سپس استنسیل. تکثیر نشریات در تبعید یا انقلابی و ضد دولتی، تا از دست سانسور دولتی و پلیس در امان باشد، بیشتر در اماکن غیرمسکونی و بیرون شهری تهیه می‌شد.

اما کسانی نیز یافت می‌شدند که کارهایشان را در چاپخانه خود انجام می‌دادند و ما اکنون با یک نفر از آن‌ها مواجه ایم. چند سال پیش از عباس رستاخیز افغانی دو جلد کتاب خریده بودم که نویسنده ادعا کرده کتاب را در کتابخانه خانگی خود چاپ کرده و این مطلب را در صفحه عنوان کتاب خود بیان کرده است. به نظر می‌رسید که محصول چاپخانه خانگی باید نسبت به چاپخانه صنعتی کیفیت پایین‌تری داشته باشد که این گونه نبود. از چند سال پیش جوایز نمونه‌های بیشتری از دکتر عارف نوشاهی شدم و ایشان گفت که در کتاب در دست تهیه و انتشارشان نمونه‌های بیشتری داده‌اند. به هر صورت به یاری کتاب ایشان کتابشناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه‌قاره — که چندی پیش چاپ شد — نمونه‌های بیشتری در دسترس است و امید که با کاری تطبیقی بر اصل کتاب‌های منتشره در این چاپخانه خانگی، تصویری روشن‌تر از تاریخ چاپ در شبه‌قاره

چاپخانه خانگی

محسن جعفری مذهب

عضو هیأت علمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی
jafarimazhab@gmail.com

از گزارش‌هایی که بسته و گریخته به دست ما رسیده و در تاریخ چاپ می‌خوانیم، برمی‌آید که در شرق، چاپخانه‌ها این‌گونه تشکیل می‌شد که معمولاً دولت کسی را مأمور می‌کرد به اروپا برود و دستگاهی بخرد و بیاورد و آموزش ببیند و مهندسی استخدام کند و لوازم یدکی مختصری تدارک ببیند و پس از به سلامت رساندن وسایل در یک مکان دولتی چاپخانه تأسیس و مشغول به کار می‌شد.

پس از شکست از روسیه در دو جنگ بزرگ در آغاز سده سیزدهم هجری، عباس میرزا، علت اساسی را به درستی عدم آموزش تشخیص داد و اعزام افراد به اروپا برای آموزش‌های رسمی علمی و به‌ویژه صنعت چاپ، دستور ورود دستگاه‌های چاپ، ورود صنعت عکاسی، آغاز شد که نخستین ثمرات عینی و دستیاب خود را در دارالفنون نشان داد. دارالفنون آغازگر نشان دادن اهمیت صنعت چاپ بود.

روشنفکران غیردولتی نیز از وسایل چاپ و روزنامه و مدارس جدید بهره می‌گرفتند. آنان بی‌سواد و بی‌اطلاعی را عامل عقب ماندن ایرانیان می‌پنداشتند. لذا باید مدرسی به سبک نوین ایجاد می‌کردند که آن‌هم مشکلات خود را داشت. مدارس نوین نیاز به متون آموزشی داشتند. ایرانی باسواد شده نیاز به کتاب‌هایی برای مطالعه خارج از تحصیل، آگاهی از وضعیت اسفبار ملت خود و وضعیت ملت‌های دیگر داشت. برای اطلاع از دستاوردهای علمی نیاز به روزنامه داشت. روشنفکر برای انتشار افکار و ایده‌های خود نیاز به انتشار

بدهم.

با آنکه امروزه شنیدن نام چاپخانه، تصویری از نهادی دولتی، عمومی، انتشاراتی، انتفاعی و صنعتی به انسان می‌دهد و ممکن است حتی تصور چاپخانه‌ای در خانه نیز به ذهن متبادر گردد، اما شنیدن نام چاپخانه‌ای خانگی برای بیش از یک قرن پیش بسیار عجیب می‌نماید.

میرزا نصرالله پسر محمدحسین خوشنویس اصفهانی، ملقب به دولتیار جنگ، و متخلص به فدایی است.^۱ خان‌بابا مشار (فهرست، ج ۶، ص ۵۷۷-۵۷۸) به نقل از طریق الحقایق (ج ۳، ص ۲۴۱) درباره او می‌نویسد:

از معلمین پارسی حضور بود. دولتیار جنگ لقب یافت. تاریخ حکمرانان هند مسمی به ترکنازان به زبان دری از مؤلفات اوست. صاحب طبع روان و فدایی تخلص می‌نماید. با نامه‌نگاری الفتی بدون کلفت داشت و اظهار ارادت و اخلاق به حضرت رحمت می‌نمود. غزلیات در وصف آن جناب گفته بود. در ایام توقف راقم به حیدرآباد خیال نخجیر و شکارافکنی برای محبوب‌علی‌شاه در سر افتاد با جمعی از خواص و ملتزمان حضور به شکارگاه رفتند. قطعه‌ای در مدح سالار جنگ پادشاه مرتجلاً انشاد کرد.

و سه کتاب نیز از او یاد می‌کند:

۱. داستان ترکنازان هند: ۵ ج، بمبئی، ۱۳۱۰ ق = ۱۸۶۷ م، سنگی، وزیری، ۵۱۸ + ۵۸۶ + ۴۶۰ + ۴۶۹ + ۴۳۳ ص.
۲. دیوان غزلیات (شعر): بمبئی، ۱۳۱۰ ق، سنگی، وزیری، ۴۰۰ ص. در مقدمه عکس شاعر، ۲ ج، حیدرآباد دکن، ۱۳۰۱ ق، سربی، وزیری، ۶۲۰ + ۵۳۹ ص.
۳. دیوان قصاید (شعر): هند، ۱۳۱۰ ق، سنگی، رقعی، ۳۳۶ ص.

به نظر می‌رسد که مشار دیوان‌ها را ندیده و از منبع دیگری نقل کرده است. چطور کتابی هم می‌تواند چاپ بمبئی باشد و هم حیدرآباد دکن؟ از سویی بعید می‌نماید عنوان چاپخانه خانگی از نگاه تیزبین مشار دور افتاده باشد.

مرحوم مشار در فهرست کتاب‌های چاپی (ج ۱، ص ۱۳۲۶)

۱. خوشبختانه در زمان تهیه این نوشتار، مقاله «میرزا نصرالله خان فدایی اصفهانی مخاطب به دولتیار جنگ» به قلم هومن یوسفدهی در دو ماهنامه گزارش میراث (ش ۵۴-۵۵، آذر-اسفند ۱۳۹۱) منتشر شد و زحمت مرا برای سرگذشت‌نویسی فدایی اصفهانی کم کرد و البته هیچ اشاره‌ای هم به چاپخانه خانگی او نکرد.

مشخصات داستان ترکنازان هند را دقیق‌تر آورده است:

۱. تاریخ اورنگ زیب و ایران. بمبئی، ۱۳۱۰ ق، ۱۸۷۶ م، سنگی، وزیری، ۴۶۰ ص.
 ۲. تاریخ، ۵۷۶ ص.
 ۳. تاریخ محمدشاه، ۴۶۹ ص.
 ۴. لغت، ۴۳۳ ص.
 ۵. تاریخ افغانستان، ۵۱۸ ص.
- و در فهرست کتاب‌های چاپی فارسی می‌افزاید:
تهران: با مقدمه قویم، سربی، رقعی، کتابفروشی اقبال، ۵۲۳ ص.

اما جالب است که مشخصات دو جلد دیوان او را در هیچ یک از سه چاپ فهرست کتاب‌های چاپی نمی‌بینیم. در ادامه مشخصات دیوان غزلیات (شعر) او چنین خواندیم: «دو جلد، حیدرآباد دکن، ۱۳۰۱ ق، سربی، وزیری، ۶۲۰ + ۵۳۹ ص.» بعید نیست که دیوان کامل فدایی یک بار هم به صورت چاپ سربی منتشر شده باشد، اما بعید است که در سال ۱۳۰۱ ق یعنی نه سال پیش از چاپ سنگی آن منتشر شده باشد. این مورد را هم باید با احتیاط نگریست. به هر صورت میرزا نصرالله فدایی دیوان اشعار خود را در دو جلد و در چاپخانه خانگی خود منتشر کرد.

شاعر عکس گراوری خود را بر جلد نخست منقش نموده و در زیر آن آورده است: «نصرالله پور محمدحسین خوشنویس اصفهانی (کذا!) فرخوانده به (دولتیار جنگ بهادر).»
بر صفحه عنوان جلد نخست آمده است:

بیاری یزدان مهربان و دارای زمین و زمان
دیوان غزلیات میرزا نصرالله خان المتخلص
به فدائی فرخوانده^۲ به دولت یار
جنگ بهادر در چاپخانه خانگی
خود نواب معزی الیه بزبور چاپ آراسته گردید

انجام:

.....
کشتن ما بیگانه بهانه مفرمای
چشم تو خود میدهد گواه که مستی

۲. به معنی ملقب



روی فدائیی میند در که گشایش
روی بگرداند از دری که تو بستی

انجامه:

بیاری بزرگ خدای مهربان، دیوان غزلیات میرزا نصرالله خان
فدائی، فرخوانده به دولت یار جنگ بهادر، از خامه
دولتخواه ممدوح غلام حسن انجام
پزیرفت (کذا!)

بتاریخ دوازدهم مهر ماه الهی سنه ۱۳۰۱ فصلی
مطابق بیست و ششم ماه محرم سنه ۱۳۱۰ هجری روز شنبه
و بر صفحه عنوان جلد دوم آمده است:

بیاری یزدان مهربان و دارای زمین و آسمان
هو الرحمان
دیوان

قصاید میرزا نصرالله خان المتخلص
به فدائی فرخوانده به دولت یار جنگ بهادر
در چاپخانه

خانگی خود نواب معزی الیه بزبور چاپ آراسته گردید

انجام:

فدائی بهر تاریخ چنین صید
خیال خود بفرستاد هر سوی
که از غیث سروشگی گفت در گوش
بشد صید تفنگ شه دو آهوی

انجامه:

.....^۲ را که دیوان قصاید شاعر عدیم المثال و

ماهر فضل و کمال اعنی فدائی بتاریخ

.....^۳ آن سنه ۱۳۱۰ از دست کمتر

نویسندگان غلام حسن تمیز انجام پزیرفت (کذا!)

حتی حق انحصاری انتشار نیز در این کتابها ثبت و مورد
تأکید قرار گرفته شده است. در صفحه دوم جلد اول دیوان آمده
است: «این دیوان در دفتر جناب هوم سکرتری صاحب سرکار
عالی سفارش، و رجستر شده است. کسی بی اجازت صاحب
آن چاپ ننماید فقط.»

۱. دو تاریخ در پایین انجامه به صورت مورب

۲. افتادگی متن چاپی

۳. افتادگی متن چاپی

به نظر می‌رسید که انتشار کتابشناسی آثار فارسی چاپ
شده در شبه‌قاره (تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۹۱ ش)،
یاری مهمی در بهتر شدن اطلاعات ما داشته باشد. عارف
نوشاهی همین دو کتاب فدایی را آورده اما محل انتشار را مطبوعه
خانگی (و نه چاپخانه خانگی که بر صفحه عنوان می‌درخشد)
آورده و آن را به درستی به چاپخانه شخصی توصیف کرده
است.

* ش ۳: ۸۷۰۳: دیوان غزلیات فدایی ... مط خانگی نواب معزی

الیه (یعنی چاپخانه شخصی سراینده ...

* ش ۴: ۸۷۰۴: دیوان قصاید فدایی ... مط خانگی نواب

معزی الیه ...

درباره داستان ترک‌تازان هند نیز آورده است:

* ش ۲۸۴: ۱۰۲۸۴: ترک‌تازان هند

کاخ ۱: مط مؤلف ...

کاخ ۱: مط جهانگیر ...

کاخ ۱: مط مؤلف ...

کاخ ۱: مط مؤلف ...



همه اطلاعات مورد نظر را ضبط کرده‌ام» (ج ۱، ص ۲۶). در ص ۸۰۴ فهرست کتاب‌های فارسی چاپ سنگی و کمیاب کتابخانه گنج‌بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان اسلام‌آباد محل انتشار هر دو کتاب «هند: چاپخانه خانگی خود نواب معزی الیه» آمده که نشان می‌دهد نوشاهی اصل صفحه عنوان کتاب را دیده است. پس چطور می‌توان چنین تغییراتی در کتاب دید؟ اگر نوشاهی به درستی از مشکلات کار نوشته که «بسیاری از کتاب‌ها را نتوانستم شخصاً رؤیت کنم. درباره آن‌ها هر چه نوشته‌ام، با اعتماد بر منبعی بوده که در دست داشتم» (ج ۱، ص ۳۰)، چطور می‌توان به فهرست تهیه شده توسط خود نیز اطمینان نداشت؟ یا اطمینان داشت که آنچه در فهرست منتشره سال ۱۹۸۶ آورده نیاز به بازبینی ندارد؟ عجیب است که ایشان که در مطلب مربوط به فدایی به مطبوعه خانگی اشاره کرده، اهمیتی در آن ندیده و در بخش «اصطلاحات برای چاپخانه» هیچ اشاره‌ای به این نوع چاپ (حتی چاپخانه شخصی) ندارد. یک فرض هم هست که در چاپ کتابشناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه‌قاره، شخص دیگری به ایشان یاری رسانده که ضرورتی در انتقال دقیق و موبه‌موی اطلاعات فهرست سابق به جلد دوم، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد، ۱۹۸۹ م، روی هم ۱۰۱۳ ص.

که جلد اول و سوم و چهارم چاپ «مطبعة مؤلف» است. ظاهراً ایشان اصل این کتاب را هم ندیده‌اند. در ابتدای آن هم آمده است:

به یاری یزدان مهربان، این نامه که نامیده است به داستان ترک‌تازان هند

و گردآورده‌ی خامه‌ی میرزا نصرالله خان فدایی

فرخوانده به دولت یار جنگبها است

در چاپخانه‌ی خانگی نواب نامه نگار و بنگرانی خودشان

به زیور چاپ آراسته گردید

آیا نوشاهی اصل کتاب را رؤیت نکرده و از منبع دیگری بهره برده است؟ چگونه می‌توان چاپخانه خانگی را به مطبوعه خانگی برگرداند؟^۱ عجیب است که منبع اطلاعات ایشان (گنج، ۸۰۴/۱ - ۸۰۳ و گنج، ۹۱۵/۱ - ۹۱۴) می‌باشد که بنا بر فهرست اختصارات منابع کتاب فهرست کتاب‌های فارسی چاپ سنگی و کمیاب کتابخانه گنج‌بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان اسلام‌آباد است. ایشان ادعا دارد که «اگر کتابی را خود دیده‌ام

۱. از ایرادات ایشان بر مشار این است که: «برخی عنوان‌های حقیقی و اصلی کتاب تغییر داده شده و مطابق عنوان روی جلد - یا آن چه که چاپ شده - نیست» (ج ۱، ص ۴۴).

۲. جلد یکم، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد، ۱۹۸۶ م.

فهرست کنونی ندیده است.

با آنکه کتابشناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه‌قاره فهرست نمایه چاپخانه‌ها را ندارد و زیر و رو کردن چهار جلد آن برای یافتن نمونه‌های دیگر به نتیجه‌ای نینجامید، نگارنده تردید ندارد که کتاب‌های زیادی در چاپخانه‌های خانگی تولید شدند که به دلیل کم‌سلیقگی ناشر در ذکر آن پنهان مانده‌اند. این از بخت خوش من بود که به آثار فدایی اصفهانی نگاهی فنی، موزه‌ای و نسخه‌شناسانه داشتم و نه مانند مشار، صفایی، نقوی، و نوشاهی و یوسفدهی نگاهی ادبی، روایی و نقلی. هر که آن یابد که خواهد.

منابع

صفایی ملایری، ابراهیم، «فرهنگ ایران در هند»، ارمغان، دوره ۲۹، تیر- مرداد ۱۳۳۹، ش ۴-۵، ص ۱۴۵-۱۵۷.
مشار، خان‌بابا، فهرست کتاب‌های چاپی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ اول، ج ۲، ۱۳۳۷ ش و ۱۳۴۲ ش، چاپ دوم، ج ۳

(با تصحیح و اضافات و اعلام) ۱۳۵۲ ش.

مشار، خان‌بابا، فهرست کتاب‌های چاپی فارسی، تهران، ۱۳۵۱ ش.

مشار، خان‌بابا، مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی از آغاز چاپ تا کنون، ج ۶، تهران، ۱۳۴۴ ش.

نقوی، شهریار، «یادی از رفتگان از ایران به هند و پاکستان: نواب میرزا نصرالله خان فدائی اصفهانی»، ارمغان، دوره ۴۱، بهمن ۱۳۵۱، ش ۱۱-۱۲، ص ۷۶۲-۷۶۶.

نوشاهی، عارف، فهرست کتاب‌های فارسی چاپ سنگی و کیمیا کتابخانه گنج‌بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان اسلام‌آباد، ج ۲، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد، ۱۹۸۶-۱۹۸۹ م.

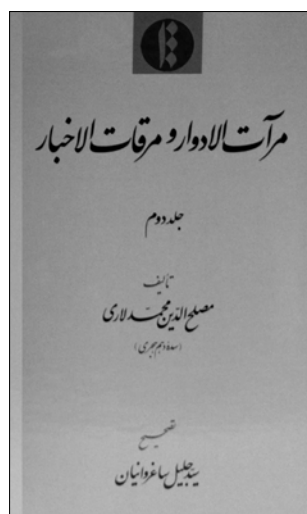
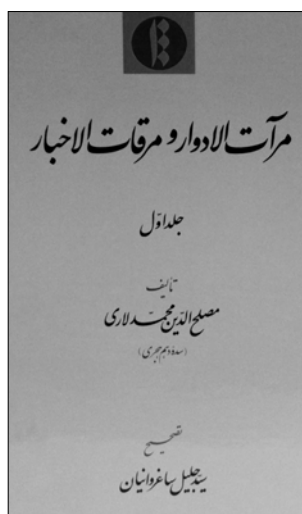
نوشاهی، عارف، ۱۳۹۱، کتابشناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه‌قاره، ج ۴، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.

یوسفدهی، هومن، «میرزا نصرالله خان فدایی اصفهانی مخاطب به دولتیار جنگ»، گزارش میراث، ش ۵۴ و ۵۵، آذر- اسفند ۱۳۹۱.

او، در بیان دودمان عثمانی. بخشی از هزینه‌های چاپ و انتشار این اثر از سوی آقایان یحیی شایسته‌منش و مهندس داریوش بوربور پرداخت شده است.

نوح، پیشدادیان، کیانیان و انبیا و حکمای ایشان، ساسانیان، در ظهور نور اسلام و احوال خلفای کرام، سلاطین عهد عباسیه، در ظهور چنگیزخان، در بیان احوالات امیر تیمور، در احوال حسن بیک و اولاد

مصلح‌الدین محمد لاری، مرآت‌الادوار و مرقات‌الاجبار (دو جلدی)، تصحیح: سیدجلیل ساغروانیان، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب با همکاری پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۱۳۷ صفحه، ۱۳۹۳.



مرآت‌الادوار و مرقات‌الاجبار اثر مصلح‌الدین محمد لاری از دانشمندان و متکلمین بزرگ قرن دهم هجری است. این کتاب تاریخی عمومی است که از آفرینش جهان و خلقت آدم (ع) شروع می‌شود و تا سال ۹۷۴ ق عصر زندگی مؤلف ادامه پیدا می‌کند.

این اثر شامل یک مقدمه و ده باب است و باب‌های ده‌گانه آن عبارتند از: مبدا آفرینش، در بیان انبیا از ابتدا تا زمان